

استلزامات سبک زندگی اسلامی (با تمرکز بر رابطه انسان با خدا)

در اسناد تحولی آموزش و پرورش

Fsamadi30@yahoo.com

معصومه صمدی / دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۹

چکیده

هدف این پژوهش استخراج استلزام‌های سبک زندگی اسلامی با تمرکز بر رابطه انسان با خداست. روش پژوهش، کیفی از نوع تحلیلی است. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، اسناد تحولی آموزش و پرورش است که از این جامعه بر اساس اهداف پژوهش هدفمند، نمونه‌برداری صورت گرفت و هم‌زمان با فرایند جمع‌آوری داده‌ها و با استفاده از روش تحلیل مضمون و تجزیه و تحلیل به‌طور مداوم انجام شد. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که استلزامات «رابطه انسان با خدا» را می‌توان در سه حوزه عقلی، عاطفی و عملی دسته‌بندی کرد. استلزامات عقلی با سه مضمون اصلی توحیدمحوری، معادمحوری و ولایت‌محوری، استلزامات عاطفی با دو مضمون اصلی حب و بغض، و استلزامات عملی با دو مضمون اصلی اعمال عبادی و اعمال اخلاقی برشماری شد. از این‌رو نظام آموزش و پرورش با ایجاد معرفت‌بخشی به دانش‌آموزان از طریق استلزامات سه‌گانه (شناختی، عاطفی و عملی) می‌تواند در زمینه استقرار سبک زندگی اسلامی در دانش‌آموزان نقش‌آفرین باشد.

کلیدواژه‌ها: استلزامات، عبودیت، رابطه انسان با خدا، اسناد تحولی آموزش و پرورش.

واژه «سبک زندگی» حدود یک قرن پیش در متون جامعه‌شناسی و روان‌شناختی اندیشمندان چون ماکس وبر، جورج زیمل و آلفرد آدلر به کار رفته است و از آن پس بخش مهمی از مباحث علمی و پژوهش‌ها در گستره‌های علمی مختلفی همچون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، تحقیقات بازار، علوم پزشکی، مطالعات مردم‌شناختی و قوم‌نگارانه و نیز مطالعات فرهنگی را به خود اختصاص داده است. بحث درباره سبک زندگی و آداب اسلامی در عرصه زندگی فردی و اجتماعی، از مباحث بسیار ضروری در جامعه کنونی است. یکی از مهم‌ترین عوامل این گسست و شکاف، عامل شناختی است (مهردی کنی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۹-۳۳۰؛ معتمدی، ۱۳۹۲).

سبک زندگی از مهم‌ترین دغدغه‌های انسان امروزی در سطح فردی و اجتماعی است که معانی متعددی دارد و تبیین آن مستلزم تبیین روان‌شناختی اجتماعی، جامعه‌شناختی فرهنگی و دین‌شناختی است (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱). بنابراین مطالعه در حوزه سبک زندگی یک مطالعه فرابخشی است و همکاری و هماهنگی همه نهادهای تأثیرگذار را می‌طلبد. خاستگاه سبک زندگی اسلامی - ایرانی، فرد، تفاوت‌های فردی، عادت‌ها، ذائقه‌ها، رجحان‌ها و به طور کلی تمایز یافتگی افراد و همچنین تفاوت رفتار افراد در فضای کنش با دیگران است. این سازه «وابسته به زمینه» است و با طیفی از متغیرهای فردی، فرهنگی، دینی و اجتماعی گره خورده و نسبت قابل ملاحظه‌ای با زندگی این جهانی جاری و روزمره و زندگی آن جهانی دارد (حسینی شریفی، ۱۳۹۲؛ پیشگر و همکاران، ۱۳۹۸). مفهوم سبک زندگی مقوله‌ای اساساً سیال، نغزنده، غیرقطعی و تا حدودی وابسته به زمینه‌های فرهنگی است که در اثر تحول در اندیشه و چرخش فرهنگی و اهمیت یافتن موضوعی به نام فرهنگ، و پس از یک دوره طولانی از تسلط نظریه‌ها و تحلیل‌های مبتنی بر طبقه اجتماعی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است (حسینی شریفی، ۱۳۹۲). رویکردهای متعددی در زمینه سبک زندگی وجود دارد.

از جمله رویکردهای حاکم در این زمینه، رویکرد جامعه‌شناسان است. از جامعه‌شناسان و اقتصاددانان متقدم مطرح در زمینه سبک زندگی می‌توان از چاپین (۱۹۳۵)، وبر (۱۹۶۸)، ویلن (۱۸۹۹)، زیمل (۱۹۷۸)، لش و یوری (۱۹۸۷) نام برد و از متأخرین می‌توان به بوردیو (۱۹۹۷)، چانی (۲۰۰۲)، گیلنر (۱۳۷۸)، هندریکس و راسل (۲۰۰۹) اشاره کرد که سبک زندگی را با توجه به متغیرهایی از قبیل گروه‌های منزلتی، موقعیت اجتماعی، مصرف، سلیقه و فرهنگ مورد مطالعه قرار داده و آن را الگوهای کنش‌های اجتماعی معطوف به مصرف، سلیقه، منزلت اجتماعی و تولیدات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تعریف کرده‌اند که افراد و گروه‌ها را از یکدیگر متمایز می‌کند.

از دیگر رویکردهای حاکم در این زمینه، رویکرد روان‌شناسان است. آدلر (۱۹۵۶) نخستین کسی است که به روشنی به بحث درباره مفهوم سبک زندگی پرداخته است. در نظر روان‌شناسان، انسان‌ها منحصر به فردند و هر فرد دارای ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری‌ای است که او را از دیگران متمایز می‌سازد. آدلر مفهوم سبک زندگی را کوشش برای برتری و غلبه بر احساس کهنتری (نقص) تعریف می‌کند. در نظر وی، سبک زندگی کلیت بی‌همتایی

در زندگی فرد است که همه فرایندهای عمومی زندگی ذیل آن قرار می‌گیرد. در نظر آدلر، سبک زندگی رفتار و منش نیست؛ امری است که همه رفتارها و تجربیات انسانی را برای هدف واحدی هدایت می‌کند و خود به‌واسطه خوی و منش فردی شکل می‌گیرد. تحلیل دیدگاه‌های جامعه‌شناسان و روان‌شناسان حاکی از این است که هر دو دیدگاه سبک زندگی را در «زیست‌این‌جهانی» محدود می‌کنند.

دین‌شناسان از زاویه دیگری به سبک زندگی پرداخته‌اند. زندگی در رویکرد دین‌شناسان دارای دامنه گسترده‌ای است و به زندگی این‌دنیایی محدود نمی‌شود؛ بلکه زندگی آن‌جهانی (آخرت) را نیز دربر می‌گیرد (پابنده، ۱۳۸۲، ص ۲۵۰). از این‌رو سبک زندگی مطلوب سبکی است که انسان بتواند ارتباطات خود را در عرصه‌های چهارگانه (خدا، خود، دیگران و طبیعت) تنظیم کند (تیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۵۳). در این رویکرد، سبک زندگی مجموعه‌ای از رفتارهای سازمان‌یافته است که متأثر از باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های پذیرفته‌شده و همچنین متناسب با امیال و خواسته‌های فردی و وضعیت محیطی افراد است. رفتار در سبک زندگی بازتاب لایه‌های زیرین، یعنی نگرش‌ها، پیش‌ها، تفکرها و سلیقه‌هاست. از این‌رو سبک زندگی رفتارهایی است که با لایه‌های زیرین جهان‌بینی، یعنی اعتقادات، باورها، نگرش‌ها، ارزش‌ها، انگیزه‌ها (نیت و هدف) و احساسات مرتبط بوده و بیانگر هویت متمایز دینی فرد است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۴۳-۴۴). بر این اساس، یکی از عرصه‌های قابل مطالعه در سبک زندگی، مطالعه و بررسی رابطه «انسان با خدا» است (باقری، ۱۳۹۵، ص ۱۱).

در زمینه سبک زندگی اسلامی مطالعاتی انجام شده است که از میان آنها می‌توان به مطالعات زیر اشاره کرد: معتمدی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای سبک زندگی مطلوب را بر اساس دیدگاه ارتباطی (ارتباط انسان با خود، خداوند، دیگران و طبیعت) با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی مورد پژوهش قرار داده است. در این مطالعه به مصادیقی از ارتباط انسان با خدا اشاره شده که عبارت است از: خود را در محضر خداوند دیدن؛ اطاعت از خداوند؛ کمک خواستن از خداوند (این امر، هم معرف قدرت فهم انسان است و هم بی‌نیاز شدن انسان از دیگران باعث رشد و اعتلای شخصیت او خواهد شد)؛ و شکرگذاری، عارفی و سبحانی‌نیا (۱۳۹۹) در مطالعه خود در زمینه بررسی رابطه انسان با خدا، به موضوع فقر و نیازمندی انسان به خدا پرداخته‌اند. امام سجاده علیه السلام می‌فرماید: عبد حقیقی کسی است که تمام مال و اموال و جسم و روح و جانش را برای خداوند متعال بداند و در راه او عمر و اموال خود را صرف کند. احساس بی‌نیازی عبد از ماسوی‌الله از دیگر ویژگی‌هایی است که امام سجاده علیه السلام برای رابطه انسان با خدا ذکر کرده است. آن حضرت می‌فرماید: قطعاً دوست‌داشتنی‌ترین بندگان تو کسانی‌اند که در مقابل تو تکبر و سرکشی نداشته باشند و از اصرار بر گناه دوری کنند و همواره آموزش از گناهان خواهند. قنبری (۱۳۹۴) با استفاده از روش تحلیلی، رابطه عقیدتی - معرفتی انسان و خدا را در *نهج‌البلاغه* مورد مطالعه قرار داده است. بر اساس یافته‌های این مطالعه، رابطه انسان با خدا از نوع رابطه جانشینی، عاشقانه و همکاری است. یوسف‌زاده (۱۳۹۹) حق‌مداری، حکیمانگی، فطرت‌نمونی، ثبات و دوام، سازواری و انسجام درونی، و پیش‌رانی را از بنیان‌های فرهنگ‌شناسی سبک زندگی

اسلامی می‌داند. جباران (۱۳۹۳) معتقد است: از نگاه اسلام، زندگی تلاش روبه‌رشدی است که انسان با همه قوا و نیروهای در اختیار، برای ابراز استعدادها و قوای خود، اعم از جسمانی، عقلانی و روحانی، و فعلیت دادن به آنها تلاش می‌کند. به اعتقاد اصغری (۱۳۹۲)، دین می‌تواند در کلیه مراحل فرایند شکل‌گیری سبک زندگی تأثیر مستقیم داشته باشد و بین دین و سبک زندگی رابطه دوسویه وجود دارد.

چنان‌که دیدیم، در مطالعات یادشده «رابطه انسان با خدا» مورد پژوهش قرار گرفته است؛ اما وجه نوآورانه مطالعه پیش‌رو این است که به «رابطه انسان با خدا» از زاویه نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی و در لابه‌لای اسناد تحولی و با تمرکز بر سبک زندگی کارگزاران نظام آموزشی، از قبیل معلم و دانش‌آموزان، توجه شده است.

سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش، سیاست‌گذاری در زمینه سبک زندگی کارگزاران نظام آموزشی همچون معلم و دانش‌آموزان بر اساس اسناد تحولی است. دو سند از کلیدی‌ترین اسناد تحولی آموزش و پرورش عبارت‌اند از: سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) و مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰). در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از اسناد راهبری نظام تعلیم و تربیت است که به‌منزله قانون اساسی آن بوده و در پاسخ به نیازهای جامعه در راستای مسائل آموزشی و اجتماعی و پرورش انسان‌های تراز جمهوری اسلامی در مهرماه ۱۳۹۰ تدوین شده است (نویسندگان، ۱۳۹۱). این سند نقشه تحول‌آفرین اقدامات نظام آموزش و پرورش محسوب می‌شود و دارای اسناد پشتیبان است. از جمله این اسناد پشتیبان، سند مبانی نظری تربیت رسمی و عمومی (۱۳۹۰) است که به مبانی تربیت در معنای عام، مبانی تربیت رسمی و عمومی و رهنامه تربیت پرداخته است. این سند خود نیز دارای اسناد پشتیبان متعددی در عرصه نظری و عملی است که در پنج محور اصلی طراحی شده‌اند. این محورها عبارت‌اند از: تبیین بنیان‌های دینی، علمی و فلسفی سند ملی آموزش و پرورش؛ تبیین فلسفه تعلیم و تربیت رسمی در اسلام؛ مطالعات نظری در حوزه ساحت‌های تربیت؛ مطالعات اصلی در حوزه زیرنظام‌های اصلی (مدیریت و راهبری، تحقیق و توسعه، تربیت معلم و تأمین منابع انسانی، تأمین و تخصیص منابع مالی، برنامه‌ریزی درسی، و فضا و تجهیزات و فناوری‌های آموزشی)؛ و تلفیق یافته‌های مطالعات نظری و استنتاج دلالت‌های آن (مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص ۳۶۶).

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) دارای هشت فصل است: فصل اول کلیات؛ فصل دوم بیانیه ارزش‌ها؛ فصل سوم بیانیه مأموریت؛ فصل چهارم چشم‌انداز؛ فصل پنجم اهداف کلان؛ فصل ششم راهبردهای کلان؛ فصل هفتم هدف‌های عملیاتی و راهکارها؛ و فصل هشتم چهارچوب نهادی و نظام اجرایی. در این سند ۱۳۱ راهکار، هشت هدف کلان و پانزده راهبرد کلان برای سیاست‌گذاری آموزشی و شش زیرنظام اصلی آموزش و پرورش ارائه شده که شامل «راهبری و مدیریت»، «ارتقای منابع انسانی»، «برنامه‌ریزی درسی و آموزشی»، «فضا،

تجهیزات و فناوری»، «منابع مالی» و «پژوهش و ارزشیابی» است. در فصل هشتم این سند، نحوه سیاست‌گذاری، نظارت و ارزیابی، برنامه‌ریزی و نظام اجرایی، و نحوه ترمیم و به‌روزرسانی مشخص شده است (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص ۵۰). پرسش اصلی این مطالعه این است: در اسناد تحولی یادشده که مبنای سیاست‌گذاری آموزشی در ابعاد مختلف است، استلزامات (نیازمندی‌های) برقراری ارتباط انسان با خدا در سبک زندگی اسلامی چیست؟

۱. مبانی نظری سبک زندگی اسلامی

در سبک زندگی اسلامی، «رابطه انسان با خدا» محور رابطه با خود، رابطه با خلق و رابطه با خلقت است. چگونگی این تعامل و رابطه است که سرنوشت فردی و اجتماعی و حتی سرنوشت تاریخی و سرنوشت ابدی انسان‌ها را رقم می‌زند. تفاوت رابطه با ارتباط این است که «رابطه» پیوند مقطعی، معمولی و ساده دو عنصر است؛ درحالی‌که «ارتباط» تلاش و حرکت برای ایجاد نسبت و برقراری تماس یا تبادل معنا در سطحی عمیق و فرآیندی است (مستقیمی و همکاران، ۱۳۹۲). ارتباط انسان با خدای متعال، از طریق تفکر، معرفت، درون‌نگری و به فعلیت رساندن فطرت درونی مقدور است: «وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا...» (آل عمران: ۱۹۱). در منابع اسلامی رابطه انسان با خدا تحت عنوان رابطه «عبودیت و بندگی» تعریف شده است. عبادت و پرستش از احساس بندگی سرچشمه می‌گیرد و حقیقت بندگی جز این نیست که انسان خود را مملوک و مقام بالاتر را مالک وجود و هستی بداند. «عبودیت» صفت است که انسان عابد به آن متصف می‌شود. عبادت از مقوله فعل و عمل است که برای اظهار عبودیت خداوند انجام می‌شود. علامه طباطبائی (۱۳۸۲، ص ۱۲۰) معتقد است که صرف خضوع در برابر کسی عبادت تلقی نمی‌شود. در نظر علامه، خضوع شرط لازم عبادت است، نه شرط کافی. در نظر عالمان دینی، عبادت در دو معنا به کار رفته است. در معنای خاص، همان معنای فقهی عبادت مدنظر است که قلمرو محدودی دارد. در این قرائت از عبادت، انجام پاره‌ای از اعمال توسط اندام بدن (رکوع، سجود، طواف و...) مدنظر است که شرط صحت آن، قصد قربت به‌سوی خداست. فقها این دسته از عبادات را «واجبات عبادیه» می‌نامند. حکیمی (۱۳۸۰، ج ۱، ص ۹۵) در مقابل واجبات عبادیه، «واجبات توصییه» را مطرح می‌کند که صرف انجام آنها دستور خداوند متعال است و قصد تقرب در پذیرش آن شرط نیست.

عبودیت در اسلام خود به دو بخش قراردادی و حقیقی تقسیم می‌شود. در قرآن گاهی عبادت به‌صورت مجاز در معنای وسیعی به کار می‌رود که هرگز با عبادت به‌معنای پرستش مساوی نیست. از باب مثال، در قرآن آمده است: ای فرزندان آدم! آیا با شما پیمان نیستیم که شیطان را نپرستید؟ او دشمن آشکار شماست (یس: ۶۰). به‌کار بردن پرستش درباره انسان‌های گنهکار که از خواسته شیطان پیروی می‌کنند، به‌طور مسلم یک نوع مجاز است و هرگز گمراهان اخلاقی در جرگه مشرکان قرار نمی‌گیرند. قرآن کریم این نوع عبودیت را تحت شرایطی خاص که در فقه بیان شده، پذیرفته است. به همین دلیل در کتب فقهی بابی به نام «عبید» منعقد شده است.

عبودیت، حقیقتی مرکب است. انسان تربیت‌یافته مکتب توحید، خدای متعال را مبدأ هستی و غایت آن می‌داند؛ خود را جز در برابر خدا مسئول و پاسخ‌گو نمی‌بیند؛ همه نعمت‌ها و ارزش‌ها و امکانات و فرصت‌های خود را - و همه هستی را - از آن خدا و از سوی خدا می‌داند و در نظام هستی هیچ منبع و منشأ قدرتی را جز خدا به رسمیت نمی‌شناسد. از همین رو با تمام وجود و از بُنِ جان می‌گوید: «إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ...؛ همانا نماز و عبادت و سبک زندگی و شیوه مردن من از آن خدای عالمیان است که هیچ شریکی ندارد و من به این راه پرافتخار و سعادت‌آفرین مأمور شده‌ام» (انعام: ۱۶۴). عبودیت حقیقی دارای حوزه گسترده‌ای است که همه امور زندگی را دربرمی‌گیرد. در این رویکرد، عبادت سپردن راه است. عبادت علاوه بر نماز، روزه، حج، جهاد و... شامل نیکی و خدمت به مردم در حوزه‌های مختلف زندگی، اعم از اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، حرفه‌ای و هنری است. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرمایند: هر فردی از مسلمانان چیزی را که مایه رنج و آزار دیگران است، از سر راهشان بردارد، برای او یک حسنه نوشته می‌شود و هر کس یک کار نیک از او قبول شود، بهشت می‌رود. این تعریف از عبادت، همه زندگی را دربرمی‌گیرد (قطب، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰). قاعده اصلی در این تعریف، در درجه اول معرفت به خداوند است که مبنای سایر ارتباطات انسان با خداست. معرفت است که با خود محبت، اطاعت، عبادت و انجام مجموعه‌ای از اخلاقیات را به همراه دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۴۳-۴۴). معرفت است که زمینه ایجاد پیوند میان «قلب انسان و خدا» را فراهم می‌کند. از این رو محبت پیوندی است که با آن هر چیزی کامل و تمام می‌شود و بدون آن همه چیز پوچ و بیهوده خواهد بود. در این پیوند، فرد در خلوت و تنهایی خود یا در اجتماع، در هنگام کار، دادوستد، رفاقت، دشمنی و در همه فعالیت‌های دیگر خود، همواره کارهای خود را با خدا مرتبط می‌کند (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۹۰). عبودیت حقیقی از شئون ربوبیت است (مائده: ۷۲؛ آل عمران: ۵۱). عبودیت در قرآن بر علم و تعقل، حب خدا و اهل بیت ﷺ، مبارزه با شرک و بت‌پرستی، و نشر توحید استوار است. پرورش که اینک مطرح است، این است که در اسناد تحولی آموزش و پرورش، یعنی مبانی نظری سند تحول بنیادین (۱۳۹۰) با تمرکز بر مبانی تربیت و رهنامه تربیت و سند تحول بنیادین (۱۳۹۰) که بر مبانی اسلامی تدوین شده است، ارتباطات انسان در عرصه ارتباط او با خدا به چه صورت مورد توجه قرار گرفته است؟

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع جهت‌گیری بنیادی است که ما را به سمت دیدگاهی نو در زمینه سبک زندگی اسلامی هدایت می‌کند. پژوهش حاضر از نوع کیفی است که در آن از تحلیل محتوای کیفی - قیاسی استفاده شده است. تحلیل محتوای کیفی - قیاسی نوعی تحقیق کیفی است که در آن چهارچوب تحلیل و مقولات تحقیق از پیش بر اساس الگوها یا پژوهش‌های پیشین شناسایی می‌شود (ابوالعالی، ۱۳۹۱، ص ۲۰). جامعه تحلیلی در این مطالعه، اسناد تحولی آموزش و پرورش، یعنی مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) با تأکید بر مبانی تربیت عمومی و رهنامه تربیت و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) است. با توجه به هدف پژوهش در بخش

مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) نمونه‌گیری انجام شد و بخش‌هایی که با اهداف پژوهش همخوانی داشتند، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، نمونه‌گیری شدند و به‌طور عمیق مورد مطالعه قرار گرفتند؛ اما در خصوص سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نمونه‌گیری صورت نگرفت و کل سند به‌طور عمیق مورد مطالعه قرار گرفت. ابزار جمع‌آوری داده‌ها فیش‌برداری، چک‌لیست‌ها و فرم محقق ساخته است.

در این مطالعه، تحلیل محتوای اسناد با توجه به رویکرد گال و همکاران (۱۹۹۴) صورت گرفت. در مرحله اول، اسناد یادشده مورد مطالعه دقیق قرار گرفتند و تمام گزاره‌هایی که انتظار می‌رفت بتوان از آنها کدهایی برای تدوین مؤلفه‌های عبودیت در ارتباط انسان با خدا به‌دست آورد، استخراج شدند. در مرحله دوم، روش مقوله‌بندی مناسب انتخاب گردید و سعی شد هر مقوله نماینده یک متغیر باشد که با اهداف پژوهش ارتباط داشته باشد. در مرحله سوم، هر کدام از گزاره‌های جمع‌آوری‌شده برای قرار گرفتن در هر یک از مقوله‌ها نشانه‌گذاری شدند. در مرحله بعد، مقوله‌بندی با روش کدگذاری باز و محوری انجام شد. در کدگذاری باز، تمام داده‌ها بدون هیچ اولویتی تحلیل و در چند مقوله دسته‌بندی شدند. در کدگذاری محوری نیز مقولاتی که بتوان مقولات دیگر را از درون آنها استخراج کرد، انتخاب شدند. نهایتاً در ادامه، داده‌ها پردازش شدند و مورد تعبیر و تفسیر قرار گرفتند. به‌منظور محاسبه روایی کدگذاری‌های استخراج شده از قضاوت صاحب‌نظران و به‌منظور محاسبه پایایی آنها، از ضریب توافق استفاده شد.

۳. روش دلفی

روش دلفی یکی از روش‌های مطالعات کیفی است که بر نظر متخصصان و خبرگان متکی است. از این روش به‌عنوان فرایندی ساختاریافته برای جمع‌آوری و طبقه‌بندی دانش موجود در نزد گروهی از کارشناسان و خبرگان از طریق توزیع پرسشنامه‌هایی در بین این افراد و بازخورد کنترل‌شده پاسخ‌ها و نظرات دریافتی نیز استفاده می‌شود (وودنبرگ، ۱۹۹۱، ص ۱۳۰). به‌اعتقاد وودنبرگ، بهتر است اعضای گروه کانونی همگن باشند و تعداد آنها بین ۱۰ تا ۲۵ نفر باشد. از این‌رو در این مطالعه، متخصصانی که در حوزه معارف اسلامی آثاری در زمینه مورد مطالعه داشتند، شناسایی شدند؛ سپس یافته‌های حاصل از روش تحلیلی، که به‌صورت شبکه معنایی تدوین و ویرایش شده بود، به‌صورت پرسشنامه‌ای طراحی و در دو مرحله در اختیار آنان قرار داده شد و از آنها خواسته شد که معرف‌ها یا شاخص‌های مربوط به هر مؤلفه را در یک طیف سه‌قسمتی «ضروری است»، «مفید است؛ ولی ضرورتی ندارد» و «ضرورتی ندارد» ارزیابی کنند. در مرحله اول پس از دریافت نظرات متخصصان، مواردی که همگی بر غیرضروری بودن آن اتفاق نظر داشتند، حذف شدند و مواردی که پیشنهاد بازبینی آنها مطرح شده بود، بازبینی و ویرایش شدند و مجدداً در اختیار متخصصان قرار گرفتند و از آنها خواسته شد که درباره هر کدام از گویه‌ها در یک طیف سه‌قسمتی اظهار نظر کنند. لازم به ذکر است که در مرحله اول، از ۲۲ متخصصی که برای مطالعه انتخاب شده بودند، دوازده نفر به درخواست ما پاسخ دادند و در مرحله دوم از میان این تعداد، فقط ده نفر به اظهار نظر پرداختند. ملاک محاسبه روایی محتوایی آیت‌ها، نظرات دریافتی از ده متخصص یادشده است که مورد توافق همگی قرار گرفت. در

این مطالعه، به منظور محاسبه پایایی یافته‌ها، از روش اسکات برای رسیدن به ضریب توافق استفاده شد. بر اساس فرمول اسکات، ضریب توافق بین صاحب‌نظران پیرامون فرم تحلیل، ۸۵/۲۹ می‌باشد که ضریب توافق بالایی است.

۴. یافته‌ها: مرحله اول: استخراج گزاره‌ها و مفاهیم

با توجه به اهداف پژوهش، گزاره‌های استخراج‌شده از اسناد تحولی آموزش و پرورش در زمینه عبودیت با تمرکز بر رابطه انسان با خدا، در جداول شماره ۱ و ۲ گزارش شده است.

جدول ۱. گزاره‌های مستخرج از مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) ناظر بر ارتباط انسان با خدا

سند	گزاره‌های مستخرج از سند	مفاهیم استخراج شده
مبانی هستی‌شناختی	خداوند مبدأ و منشأ جهان، یگانه مالک، مدبر و رب حقیقی همه موجودات است	مالکیت، ربوبیت خداوند
	ویژگی ذاتی موجودات نظام هستی، فقر و نیاز به واجب‌الوجود است	فقر و نیازمندی موجودات به واجب‌الوجود
	خداوند خیر بنیادین هستی است و همه موجودات عالم را به سوی کمال شایسته هدایت می‌کند	هدایت تکوینی
	ماهیت دنیا برای آخرت است	اصالت داشتن حیات اخروی
مبانی انسان‌شناختی	انسان موجودی است مرکب از جسم و روح است	ارتباط متقابل جسم و روح
	کمال و جاذب‌انگی انسان به بقای روح مربوط می‌شود	اصالت داشتن روح
	انسان فطرتی الهی دارد که قابلیت فعلیت یافتن و فراموشی دارد	اصالت داشتن فطرت
ابعاد فطرت	معرفت حضوری انسان به خدا	جنبه معرفتی
	میل به پرستش، حقیقت‌جویی، فضیلت‌خواهی، زیبایی‌دوستی	جنبه گرایش فطرت
	آزادی، آگاهی، انتخابگری	ظهور فطرت
	غایت آفرینش انسان دستیابی به کمال است	دستیابی به کمال
غایت آفرینش انسان	مسیر دستیابی به کمال حرکت تعالی‌جویانه توسط خود انسان است	اراده، اختیار
	انسان خلیفه خدا بر روی زمین است	به‌دلیل برخوردار بودن از تفکر، تعقل، آزادی تکوینی، اختیار
	قابلیت شکوفایی ویژگی‌های فطری	تقوا، ایمان، عمل صالح
	وجه تمایز انسان از سایر موجودات، عقل اوست	عقل‌ورزی، ادراک مفاهیم کلی، استنتاج گزاره‌های توصیفی از بدیهیات و یقینات با استفاده از استدلال، تشخیص قضایای صادق از کاذب، پیش‌بینی وقایع مشاهده‌پذیر، ابداع مفاهیم و سازه‌های جدید، فرضیه‌پردازی، آزمون فرضیات، ابداع برنامه‌ها و روش جدید با استفاده از قدرت تخیل و خلاقیت و ابتکار (عقل نظری، عقل عملی، التزام عملی)
	انسان در خصوص مسئولیت‌های خود، در برابر خدا مکلف است	پاسخگویی در برابر خدا درباره نعمت‌های الهی
مبانی معرفت‌شناختی	انسان برای تکوین و تحول هویت خویش به استعانت از خدای متعال و راهنمایی انسان‌های رشدیافته نیازمند است	نیازمندی انسان به خدا و ائمه و رهبران
	انسان توانایی شناخت خالق و نظام هستی را دارد	شناخت

سند	گزاره‌های مستخرج از سند	مفاهیم استخراج شده
انواع شناخت	حضوری	از طریق شهود حاصل می‌شود
	حصولی (تصور، تصدیق)	کسب‌شدنی است با ابزار حس، عقل، تجربه، شهود، وحی
قلمرو ساحت تربیت اعتقادی، عبادی، اخلاقی	ایمان به اصول دین توحید	یکانگی خدا، دنباله‌روی از راه نبی (محمد و انبیای سابق و کتب آنها)، ایمان به ولایت، ایمان به عالم آخرت، تبعیت از ائمه، ولی فقیه
	انسان از طریق دل و قلب درک کند که خداوند خالق اوست	شناخت فطری حضوری
	انسان از طریق عقل درک کند که خداوند خالق اوست	شناخت فطری حصولی
	انسان درک کند که به خداوند نیازمند است	فقیر بودن انسان
	حیات دنیا ظاهری دارد و باطنی	حقیقی بودن حیات باطنی
	شناخت و حراست عملی از مقام امامت علی و اولادش ^{علیهم‌السلام}	ولایت‌مداری
	کسب صفات و فضایل اخلاقی	اخلاص، تسلیم، تقوا، شکر
	التزام آگاهانه (تقید عملی) به ارزش‌های اعتقادی	التزام به توحید، نبوت، امامت، عدالت و معاد
	التزام آگاهانه (تقید عملی) به ارزش‌های عبادی	التزام به انجام احکام و شرایع دینی از قبیل واجبات و مستحبات و فاصله گرفتن از مکروهات و حرامات
	التزام آگاهانه (تقید عملی) به ارزش‌های اخلاقی	التزام به اخلاقیات
	تکوین و تعالی هویت دینی	التزام به اصول دین، احکام و شرایع دینی و اخلاقیات
	رویکرد ساحت تربیت اعتقادی، عبادی، اخلاقی	فطرت‌مداری (شروع از معرفت و میل ربوبی سرشته در وجود متریبان)
تعالی مرتبتی (رعایت مراتب تشکیکی تدین با توجه به مراتب دین‌داری)		تشکیکی بودن دین‌داری
تعالی مرتبتی (رعایت مراتب تشکیکی تخلق، با توجه به مراتب اخلاق)		تشکیکی بودن اخلاق
عقلانیت‌محوری (پرهیز از مواجهه صرفاً احساسی یا انتخاب دین بر اساس اکراه و اجبار و تلقین محض)؛ یعنی تأکید بر کسب بصیرت دینی		ادراک، تجزیه، تحلیل استدلال، استنتاج، ترکیب، ایجاد مفاهیم جدید، خلاقیت، ابتکار
توجه به بعد عاطفی دین در تعمیق و گسترش تدین		عاطفه
توجه به بعد ولایی دین در تعمیق و گسترش تدین		ولایت‌مداری
اهداف ساحت تربیت اعتقادی، عبادی، اخلاقی	چندبعدی بودن (پرهیز از تحویل دین‌داری به یکی از ابعاد آن)	جامعیت دین‌داری
	پذیرش آزادانه و آگاهانه دین اسلام جهت تکوین و تعالی پیوسته هویت خود	آزادی، انتخاب‌گری
	تلاش مداوم جهت ارتقای ابعاد معنوی وجودی خویش از طریق برقراری ارتباط با خداوند	عبادت
	حرکت از تلقین و عادت به تبیین	اندیشه‌گرایی
	حرکت از تلقین و عادت به انتخاب	انتخاب‌گری
	حرکت از تلقین و عادت به استدلال	استدلال
حرکت از ظن به اطمینان	آرامش	

سند	گزاره‌های مستخرج از سند	مفاهیم استخراج شده
	حرکت از ظن به یقین	آگاهی، نقطه بالای ایمان
	حرکت از ارزش‌های عام انسانی به ارزش‌های الهی	ارزش‌های الهی نقطه اوج ارزش‌ها
	توازن و تلفیق میان اخلاق و دین	اعتدال
	پرهیز از افراط و تفریط	اعتدال
	تأکید متوازن و سازوار بر استفاد از روش‌های مختلف تربیت اخلاقی	اعتدال
	تأکید متوازن و سازوار بر استفاد از روش‌های مختلف تربیت دینی	اعتدال
	تأکید متوازن بر تبیین، استدلال، حساسیت و عمل اخلاقی	جامعیت
	اولویت استدلال بر تعبد	عقلانیت
	تقدم پیرایش از زشتی‌های اخلاقی بر آراسته شدن به زیبایی‌ها	تخلیه (اولین مرحله از عقل عملی)
	تقدم رفع بر دفع رذایل و عوامل مؤثر در آن	تخلیه (دومین مرحله از عقل عملی)
	تقدم فضل بر عدل (تقدم رحمت بر غضب)	تخلیه (سومین مرحله از عقل عملی)
	اصالت مصونیت بر محدودیت	خوبستن‌بانی
	تأکید بر کاربرد دین و اخلاق در زندگی فردی	جامعیت
	تأکید بر اصل ولایت‌پذیری	ولایت‌پذیری
رویکرد ساخت تربیت اجتماعی و سیاسی	اصلاح رابطه انسان با خدا	رعایت دستورالعمل‌های اخلاقی
اصول رویکرد سیاسی و اجتماعی	تأکید بر اصل ولایت‌پذیری	ولایت
رویکرد ساخت تربیت زیستی و بدنی	نفخه الهی، تعامل مستمر روح و بدن	الهی بودن روح انسان
اصول رویکرد تربیت زیستی و بدنی	توجه به روحیه تعهد و مسئولیت‌پذیری در قبال نظام هستی	تعهد، مسئولیت‌پذیری
	رویکرد ادراکی دریافت احساس و معنا که شامل خلق معنا (رمزگذاری) و کشف معنا (رمزگشایی) است	عقلانیت
	درک معنای پدیده‌ها و هدف رویدادهای طبیعت/هستی	ادراک، آگاهی، علم
	درک کلی از جهان هستی و جایگاه خویش در آن	ادراک، آگاهی، علم
رویکرد ساخت تربیت هنری - زیبایی‌شناختی	رمزگشایی و رمزگردانی از پدیده‌های آشکار و پنهان طبیعت و ابراز آن به زبان هنری	ادراک، آگاهی، علم، استنتاج، تولید، خلاقیت
	پرورش حواس برای بازخوانی فطرت الهی خویش	پرورش حواس
	پرورش قدرت تخیل برای دریافت تجلیات حق در سراسر هستی	خلاقیت
	درک زیبایی‌های جهان آفرینش به‌منزله مظاهر جمال و کمال الهی	ادراک زیبایی خلقت
اصول ساخت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای	شایستگی اخلاقی در بهره‌گیری از طبیعت در چهارچوب نظام معیار اسلامی	نشانه بودن نظام طبیعت
رویکرد ساخت علمی - فناوری	شناخت نظام طبیعت به مفهوم آیه‌ای از آیات جمال خداوند	نشانه بودن نظام طبیعت
اصول ساخت علمی - فناوری	درک عظمت خلقت و تعظیم خالق	معرفت، اصل انطباق با نظام معیار
	تعظیم خالق	اطاعت

جدول ۲. گزاره‌های مستخرج از سند تحول بنیادین (۱۳۹۰) در زمینه عبودیت با تمرکز بر ارتباط انسان با خدا

عنوان	گزاره	مفهوم
کلیات	روی نمودن به خدا در حالت تسلیم و رضا	رضایت خداوند
	اطاعت از خدا به‌طور آگاهانه بر اساس نظام معیار اسلامی	تسلیم آگاهانه
	اطاعت از خدا به‌طور آزادانه بر اساس نظام معیار اسلامی	تسلیم آزادانه
	ارتباط آگاهانه و تشدید این رابطه با حقیقت هستی	ارتباط حضوری
	ارتباط آزادانه و تشدید این رابطه با حقیقت هستی	ارتباط حضوری
بیانیه ارزش‌ها	قرب الی الله مشخصه اصلی حیات طیبه است	آگاهی، شناخت، اراده
	پرورش عقلانیت در ساحت تربیت اعتقادی، عبادی، اخلاقی	پرورش هوش، تخیل، ادراک و حافظه
	تعمیق انواع و مراتب عقلانیت (بالقوه، بالملکه، بالفعل و مستفاد) در ساحت تربیت اعتقادی	فطرت، ادراک مقولات اولیه، تفکر، مشاهده تمامی مقولات
	کسب فضایل اخلاقی در تربیت اخلاقی	ایمان، تقوا، عدالت، صداقت
	ترویج، تقویت مستمر و تحکیم فضایل اخلاقی با تأکید بر روحیه امانت‌داری	امانت‌داری
اهداف کلان	التزام به اصل ولایت فقیه	التزام به ولایت
	التزام به مردم‌سالاری دینی	حاکمیت ارزش‌های دینی و مذهبی در اداره امور توسط نمایندگان
	حق دانستن دین اسلام به‌عنوان نظام معیار	حق محوری
	تبعیت آگاهانه و آزادانه از دین اسلام	پیروی آگاهانه و آزادانه
	پذیرش قلبی و درونی معارف الهی	شهود
راهکارهای عملیاتی	معرفت به معارف الهی	علم، تحمل معارف الهی، کتمان سر، آیات قرآنی، روایات معصومین
	باور به معارف الهی	ایمان
	تقویت اعتقاد به توحید (یگانگی خداوند) با رویکرد قرآنی، روایی و عقلانی	وحدانیت
	تقویت اعتقاد به معاد (حیات واقعی) با رویکرد قرآنی، روایی و عقلانی	معامد محوری
	تقویت اعتقاد به ولایت و انتظار با رویکرد قرآنی، روایی و عقلانی	ولایت‌پذیری
	تقویت ایمان و بصیرت دینی	ایمان
	تقویت بصیرت دینی	عقلانیت
	تعمیق انتخاب‌گری درست بر اساس نظام معیار اسلامی	انتخاب‌گری
	مقید بودن رعایت احکام و مناسک دینی	اجرای مناسک
	توسعه فرهنگ اقامه نماز	انجام مناسک
	تقویت انس با دعا و توسل	حب، ذکر، نجات، درخواست
	آموزش معارف قرآنی بر اساس منشور توسعه فرهنگ قرآنی	معارف قرآنی
	توسعه فرهنگ و سواد قرآنی	سواد قرآنی
	انس با قرآن	حب، ذکر، نجات
	ترویج، تقویت مستمر و تحکیم فضایل اخلاقی با تأکید بر اولویت کرامت نفس	کرامت نفس
ترویج، تقویت مستمر و تحکیم فضایل اخلاقی با تأکید بر اولویت تعمیق تقوای الهی، مهارت خویش‌داری	خویش‌داری	
راهکارهای عملیاتی	ترویج، تقویت مستمر و تحکیم فضایل اخلاقی با تأکید بر اولویت حیا و عفت	حیا و عفت
	ترویج، تقویت مستمر و تحکیم فضایل اخلاقی با تأکید بر اولویت صداقت	صداقت
	ترویج، تقویت مستمر و تحکیم فضایل اخلاقی با تأکید بر اولویت مسئولیت‌پذیری	مسئولیت‌پذیری
	ترویج، تقویت مستمر و تحکیم فضایل اخلاقی با تأکید بر اولویت تعهد	تعهد

۵. مرحله دوم: تجميع كدها - استخراج شبكه مفهومي

در این بخش برای ترکیب نتایج، ابتدا با تحلیل کیفی کدهای باز در کنار هم قرار گرفتند و با کدگذاری مجدد، موارد همپوش و دارای قرابت معنایی با هم ترکیب شدند و کدهای محوری استخراج گردیدند که در قالب جداول شماره ۳-۵ گزارش شده است.

۱-۵. استلزامات عقلی ارتباط انسان با خدا

از جمله استلزامات احصاشده در اسناد تحولی آموزش و پرورش، یعنی مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، استلزامات عقلی است. ابزار نقش‌آفرین در این استلزام، عقل و درون‌نگری و شهود است که با استفاده از آن، معرفت به اصول دین برای فراگیر در ارتباط انسان با خدا ایجاد می‌شود. در اسناد تحولی آموزش و پرورش در بخش مبانی تربیت و ساحت‌های شش‌گانه تربیت، به این موضوع پرداخته شده است. یافته‌های حاصل از این بخش در جدول شماره ۳ گزارش شده است.

جدول ۳. استلزامات عقلی رابطه انسان با خدا در سبک زندگی اسلامی در اسناد تحولی آموزش و پرورش

مضمون فراگیر	مضمون اصلی	مضمون فرعی	مضامین پایه
معرفة	توهم‌محوری	معرفة حضوری	دستیابی به معرفت الهی از طریق: دل، شهود، وحی مراحل معرفة حصولی (حسی، خیالی، عقلی)، بخش‌های معرفة حصولی (تصور یا تصدیق، بدیهی و نظری) ابزار معرفة: حواس، شهود، وحی، عقل (دستیابی به معرفت الهی از طریق: ادراک مفاهیم کلی، استنتاج گزاره‌های توصیفی از بدیهیات و یقینات، استفاده از روش استدلال و برهان، درک و تشخیص قضایای صادق از قضایای کاذب، تبیین، پیش‌بینی وقایع مشاهده‌پذیر، ابداع مفاهیم و سازه‌ها، فرضیه‌پردازی و آزمون تجربی فرضیه‌ها، قدرت تخیل، خلاقیت، ابتکار، ابداع)
	معاد محوری	عالم دنیا (شهادت) عالم برزخ عالم قیامت	عالم شهادت مرتبه نازل غیب است (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ص ۴۹). موت = جدایی روح از بدن (یک مرحله از زندگی است). حیات در عالم برزخ تداوم می‌یابد (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ص ۵۸). عالم مثال، عقل، ملکوت، جبروت، عرش، کرسی (مرحله اعلی عالم غیب است) (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ص ۴۹). اعتقاد به روز رستاخیز، قوی‌ترین عامل جهت‌دهی به سبک زندگی، پدیدآورنده هدف‌داری، مسئولیت‌شناسی، امید، نشاط و ضامن تحقق اخلاق و ارزش‌های انسانی
ولایت محوری	ولایت تکوینی (ولایت ذاتی) ولایت تکوینی (ولایت عرضی) ولایت تشریحی خداوند ولایت تشریحی پیامبر ولایت تفسیری ولایت احکام و تشریح است	مخصوص خداوند است (تکوینی) تسلط انسان بر خودش است (تکوینی) حق قانون‌گذاری و تشریح احکام ولایت بر اموال و نفوس ولایت تفسیر و تبیین آیات قرآن و سنت پیامبر ﷺ ولایت بر (تشریحی) ولایت در حوزه قانون‌گذاری است اطاعت از اولیای الهی مسئولیت‌پذیری در برابر اولیای الهی	

یافته‌های حاصل از جدول شماره ۳ حاکی از این است که یکی از استلزامات برقراری رابطه انسان با خدا در سبک زندگی اسلامی، استلزامات عقلی است. در این استلزام، یعنی استلزام عقلی معرفت، در برقراری رابطه انسان با خدا نقش اصلی را بازی می‌کند. این مضمون فراگیر با سه مضمون اصلی با نام‌های توحیدمحوری (با دو مضمون فرعی)، معادمحوری (با سه مضمون فرعی) و ولایت‌محوری (با شش مضمون فرعی) نقش کلیدی را در برقراری ارتباط انسان با خداوند برقرار می‌کند. در سبک زندگی اسلامی، معرفت به خدا بنیاد و زیربنای اصلی برقراری رابطه انسان با خداست.

۲-۵. استلزامات عاطفی

از دیگر استلزامات احصاشده در اسناد تحولی آموزش و پرورش، استلزامات عاطفی است. ابزار نقش‌آفرین در این استلزام، قلب است که با استفاده از آن، محبت در خصوص اصول دین برای فراگیر در ارتباط «انسان با خدا» ایجاد می‌شود. در اسناد تحولی آموزش و پرورش، در بخش مبانی تربیت (به‌ویژه مبانی ارزش‌شناسی تربیت) و ساحت‌های تربیت (به‌ویژه ساحت هنری و زیبایی‌شناختی) به این موضوع پرداخته شده است. یافته‌های حاصل از این بخش در جدول شماره ۴ گزارش شده است.

جدول ۴. استلزامات عاطفی رابطه انسان با خدا در سبک زندگی اسلامی در اسناد تحولی آموزش و پرورش

مضمون فراگیر	مضمون اصلی	مضمون فرعی	مضامین پایه
رغبت	حب	محبت	محبت به خداوند، پیامبران، ائمه، نمادها و مظاهر الهی
		خوف	خوف دوری از خدا، خوف از غفلت و کوتاهی، خوف از عاقبت بد، خوف از جهان پس از مرگ و خوف از گناه
		رجا	امید در مقابل یأس، امید به نعمت‌های الهی، امیدواری به بخشش الهی
	بغض	همراهی خوف و رجا	جلب رحمت الهی، تقرب به خدای یگانه
		کینه و دشمنی با دشمنان خداوند، پیامبران، ائمه، نمادها و مظاهر الهی	

در سبک زندگی اسلامی، «رغبت» زمینه اخلاق‌ورزی است.

۳-۵. استلزامات عملی (اطاعت)

از جمله استلزامات احصاشده در اسناد تحولی آموزش و پرورش، استلزامات عملی است. ابزار نقش‌آفرین در این استلزام، اراده، اختیار، آزادی و انتخابگری است که با استفاده از آن، عمل به احکام و اخلاقیات در ارتباط انسان با خدا ایجاد می‌شود. در اسناد تحولی آموزش و پرورش در بخش مبانی تربیت و ساحت‌های شش‌گانه تربیت، به‌ویژه ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، به این موضوع پرداخته شده است. یافته‌های حاصل از این بخش در جدول شماره ۵ گزارش شده است.

جدول ۵. استلزامات عملی رابطه انسان با خدا در سبک زندگی اسلامی در اسناد تحولی آموزش و پرورش

مضمون فراگیر	مضمون اصلی	مضمون فرعی	مضمون پایه
اطاعت	نمود عبادی	التزام به احکام عبادی	التزام به احکام شرعی
			التزام به انجام اعمال شریعت از قبیل انجام واجبات
			التزام به انجام اعمال شریعت از قبیل انجام مستحبات
			التزام به انجام اعمال شریعت از قبیل، ترک محرمات و مکروهات
	دعا		
نمود اخلاقی	التزام اخلاقی (شناختی)	التزام اخلاقی (عاطفی)	شکرگزاری، خویش‌بانی، مسئولیت‌پذیری، تعهد و راستگویی، درستکاری، صداقت، وفاداری، دوستی، امانت‌داری، استغفار، اخلاص، آزادگی، پاسخگویی، اعتدال
			دوستی، ادب، رضا، تسلیم، بردباری، حیا، حقیقت‌دوستی، زیبایی‌دوستی، آرامش، رحمت

یافته‌های حاصل از جدول شماره ۵ حاکی از این است که یکی از استلزامات برقراری رابطه انسان با خدا در سبک زندگی اسلامی، استلزامات عملی است. این مضمون فراگیر با دو مضمون اصلی با نام‌های نموده‌های عبادی (با یک مضمون فرعی) و نمود اخلاقی (با دو مضمون فرعی) نقش کلیدی را در برقراری ارتباط انسان با خداوند برقرار می‌کنند. در سبک زندگی اسلامی، لازمه انجام اعمال عبادی و اخلاقی در رابطه با خدا، معرفت و محبت به خداست.

نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش، استخراج استلزام‌های عبودیت با تمرکز بر «رابطه انسان با خدا» در سبک زندگی اسلامی است. روش پژوهش کیفی از نوع تحلیلی و دلفی برای دستیابی به اجماع صاحب‌نظران است. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، اسناد تحولی آموزش و پرورش از قبیل، مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) است. ابتدا بر اساس مطالعه مبانی نظری، و اسناد مورد مطالعه، گزاره‌های ناظر بر ارتباط انسان با خدا استخراج، دسته‌بندی و کدگذاری شدند و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های حاصل از طریق روش دلفی، در اختیار صاحب‌نظران قرار داده شدند که با پیشنهاد اصلاحاتی مورد تأیید قرار گرفتند. بر اساس این یافته‌ها در اسناد تحولی آموزش و پرورش، استلزامات برقراری «رابطه انسان با خدا» را می‌توان در سه حوزه عقلی، عاطفی و عملی دسته‌بندی کرد.

در استلزامات عقلی، «عقل» نقش کلیدی ایفا می‌کند. عقل با ایجاد معرفت و شناخت، در برقراری رابطه انسان با خدا نقش اصلی را بازی می‌کند. این مضمون فراگیر با سه مضمون اصلی با نام‌های توحیدمحوری (با دو مضمون فرعی)، معادمحوری (با سه مضمون فرعی) و ولایت‌محوری (با شش مضمون فرعی) نقش کلیدی را در برقراری ارتباط انسان با خداوند برقرار می‌کنند. بنابراین در سبک زندگی اسلامی، شناخت و بالاتر از آن، باور به اصول سه‌گانه توحید، امامت و معاد، بنیاد و زیربنای اصلی برقراری رابطه انسان با خداست.

دیگر استلزامات برقراری رابطه انسان با خدا در سبک زندگی اسلامی، استلزامات عاطفی است. در استلزام عاطفی، «قلب» نقش اصل را ایفا می‌کند. این مضمون فراگیر با دو مضمون اصلی با نام‌های حب (با چهار مضمون

فرعی محبت، خوف، رجا، همراهی خوف و رجا)، و بغض (با یک مضمون فرعی یعنی تنفر) نقش کلیدی را در برقراری ارتباط انسان با خداوند ایفا می‌کند. حب از عواطف مثبت است که با فعالیت فکری و درجه‌ای از خوشایندی و ناخوشایندی همراه است. در سبک زندگی اسلامی، لازمهٔ محبت به خدا، معرفت به خداوند است. محبت، خواستن چیز خیر است یا چیزی که در آن گمان به خیر بودن وجود دارد. در محبت، علاوه بر جذب و کشش، نوعی وابستگی و تعلق هم هست (تهرانی، ۱۳۹۴، ج ۱۳، ص ۲۴). از ترکیب و تعامل معرفت به اصول و عقاید دینی با رغبت به اصول و عقاید دینی، ایمان حاصل می‌شود و عمل شکل می‌گیرد. بنابراین در سبک زندگی اسلامی، عاطفه موتور محرکه است که با حضورش نقش انگیزش‌بخشی و با عدم حضورش نقش رکود و کسالت در سبک زندگی اسلامی بازی می‌کند.

دیگر استلزامات برقراری رابطهٔ انسان با خدا در سبک زندگی اسلامی، استلزامات عملی است. در استلزام عملی، «اراده» نقش کلیدی ایفا می‌کند. این مضمون فراگیر با دو مضمون اصلی با نام‌های اعمال عبادی (با یک مضمون فرعی) و اعمال اخلاقی (با دو مضمون فرعی) نقش کلیدی را در برقراری ارتباط انسان با خداوند برقرار می‌کند. در سبک زندگی اسلامی لازمهٔ انجام اعمال عبادی و اخلاقی در رابطه با خدا، معرفت و محبت به خداست. در نگاه اندیشمندان مسلمان، اعمال عبادی و اخلاقی به‌عنوان صفات نفسانی پایدار مورد توجه قرار گرفته است (ابن مسکویه، ۱۴۲۲ق، ص ۵۱).

از این رو بر اساس یافته‌های حاصله از اسناد تحولی آموزش و پرورش، یعنی مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، که سیاست‌گذاری‌های نظام آموزشی را به عهده دارند، پیشنهاد می‌شود که با استفاده از استلزامات احصاشده، در استقرار سبک زندگی اسلامی در دانش‌آموزان با ایجاد معرفت‌بخشی به کارگزاران نظام آموزشی، از قبیل معلمان و دانش‌آموزان، از طریق ورود عمیق این استلزامات سه‌گانه (شناختی، عاطفی و عملی) در هدف‌گذاری‌ها، برنامه‌های درسی، تربیت و توانمندسازی نیروی انسانی بکوشند.

البته نکتهٔ مهم و کلیدی این است که اسناد تحولی آموزش و پرورش، دربارهٔ چگونگی معرفت‌بخشی استلزامات سبک زندگی اسلامی در کارگزاران نظام آموزشی، از قبیل معلمان و دانش‌آموزان، سکوت کرده است. منظور این است که مطالب مطرح‌شده در این اسناد، عمدتاً مطالبی‌اند که در عالم «نظر» مطرح شده‌اند. البته ورود نظری به پدیدهٔ سبک زندگی اسلامی در اسناد تحولی آموزش و پرورش قابل تقدیر است، اما از آنجا که نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی با «عمل» سروکار دارد، لازم است سیاست‌گذاران نظام آموزشی دربارهٔ چگونگی تبدیل «نظر» به «عمل» یا برقراری رابطهٔ بین «نظر» و «عمل» در این حوزه بیندیشند و برقراری این «پیوند» را جزء اولویت‌های خود قرار دهند. افزون بر این، در حال حاضر شورای عالی آموزش و پرورش پدیدهٔ «ترمیم سند تحول بنیادین» را در دستور کار خود قرار داده است. این فرصت مناسبی است که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان این عرصه باید آن را غنیمت شمرند و به عملیاتی‌سازی استلزامات احصاشده در مؤلفه‌های اساسی نظام آموزشی، از قبیل اهداف، برنامه‌ها، روش‌های تدریس، یادگیری و روش‌های ارزشیابی بپردازند.

منابع

- ابادری، یوسفعلی و حسن چاوشیان، ۱۳۸۱، «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی، رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۰، ص ۳-۲۷.
- ابن مسکویه، ابوعلی، ۱۴۲۲ق، *تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق*، قم، بیدار.
- ابوالمعالی، خدیجه، ۱۳۹۱، *پژوهش کیفی از نظریه تا عمل*، تهران، علم.
- اخلاقی، حلیمه، حسین شرف‌الدین، محمدمهدی صفورایی یاریزی و غلامعلی عزیزی کیا، ۱۳۹۶، «مبانی هستی‌شناسی سبک زندگی طایفه از دیدگاه قرآن کریم»، *پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، ش ۸، ص ۱۰۷-۱۲۸.
- اصغری، محمود، ۱۳۹۲، «دین، وجدان کاری و رابطه آن با سبک زندگی»، *پژوهش‌های اجتماعی اسلام*، ش ۹۷، ص ۶۹-۹۴.
- آذر، آلفرد، ۱۳۷۰، *روان‌شناسی فردی*، ترجمه حسن زمانی شرفشاهی، تهران، تصویر دوم.
- باقری، خسرو، ۱۳۹۵، *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران*، تهران، علمی و فرهنگی.
- پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، *نهج الفصاحه*، اصفهان، خاتم الانبیاء.
- پیشگر، زری، مرتضی سمون مهردوی و سیدمحمد اسماعیل سیدهاشمی، ۱۳۹۸، «مبانی و اصول انسان‌شناختی اسلامی و دلالت‌های آن در سبک زندگی خانوادگی»، *معرفت*، ش ۵۹، ص ۸۳-۱۱۰.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، *غرر الحکم و درر الکلم*، ترجمه محمدعلی انصاری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- تهرانی، مجتبی، ۱۳۹۴، *اخلاق اسلامی*، ج ۱۳، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جباران، محمدرضا، ۱۳۹۳، «تحلیل مفهومی سبک زندگی»، *قبسات*، ش ۷۵، ص ۱۷۴-۱۹۹.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، *مفاتیح الحیات*، قم، اسراء.
- حسینی شریفی، احمد، ۱۳۹۲، *سبک زندگی*، تهران، آفتاب توسعه.
- حکیمی، محمدرضا، محمد حکیمی و علی حکیمی، ۱۳۸۰، *الحیة*، ترجمه احمد آرام، تهران، فرهنگ اسلامی.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*، ۱۳۹۰، شورای عالی آموزش و پرورش، تهران، شورای عالی آموزش و پرورش.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۸۲، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر نشر اسلامی.
- عارفی، خلیل و محمدتقی سبحانی نیا، ۱۳۹۹، «شاخصه‌های عبودیت در صحیفه سجادیه»، *معرفت*، ش ۲۷۴، ص ۱۰-۴۱.
- قطب، محمد، ۱۳۸۹، *روش تربیتی اسلام و کاربرد عملی آن*، ترجمه محمود ابراهیمی، سنجند، آراس.
- قنبری، بخشعلی، ۱۳۹۴، «رابطه عقیدتی - معرفتی انسان و خدا در نهج البلاغه»، *انسان پژوهی دینی*، ش ۳۳، ص ۱۴۳-۱۶۲.
- گال، مردیت، والتر بورگ و گال جويس، ۱۳۸۲، *روش‌های تحقیقی کمی و کیفی در علوم تربیتی*، ترجمه احمدرضا نصر و همکاران، ج ۲، تهران، سمت.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۷، *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر تی.
- مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*، ۱۳۹۰، تهران، شورای عالی آموزش و پرورش.
- مستقیمی، مهدیه‌سادات، معظمه شجاع‌الدینی و زهره برقی، ۱۳۹۳، «کارکرد بُعد عبادی در سعادت دنیوی از دیدگاه علامه طباطبائی»، *معرفت*، ش ۲۰۲، ص ۸۷-۱۰۵.
- معمدی، عبدالله، ۱۳۹۲، «سبک زندگی مطلوب بر اساس دیدگاه ارتباطی»، *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ش ۱۳، ص ۱۲۵-۱۴۳.
- نوید ادم، مهدی، ۱۳۹۱، «الزامات مدیریتی تحول بنیادین در آموزش و پرورش»، *راهبرد فرهنگ*، ش ۱۸، ص ۲۹۵-۳۰۴.
- یوسف‌زاده، حسین، ۱۳۹۹، «بنیان‌های فرهنگ‌شناسی سبک زندگی از منظر قرآن کریم»، *اسلام و مطالعات اجتماعی*، ش ۲۹، ص ۶۸-۹۶.
- Adler, Alfred, 1956, *The individual Psychology*, New York, Basicbooks.Inc.
- Bourdieu, Pierre, 1990, *In Other Words: Essays toward a Reflexive Sociology*, Cambridge, Eng, Polity Press.
- Chaney, David, 1996, *Lifestyle*, London, Routledge.
- Lash, Scott & John Urry, 1987, *The End of organised capitalism*, Cambridge, polity Press.
- Simmel, G, 1978, *The philosophy of money*, London, Boston, Routledge & Kegan Paul.
- Veblen, Thorstein, 1899, *The Theory of the Leisure Class*, Oxford, Oxford University Press.
- Weber, Max, 1968, *Economy and society; an outline of interpretive sociology*, New York, Bedminster Press.
- Woudenberg, Fred, 1991, "An evaluation of delfi", *Journal of Technological forecasting and social chance*, Vol.40, p.131-150.